

فرار از مدرسه و راه درمان آن

فرار از مدرسه بیشتر در نوجوانان مبتلا به اختلالات روانی، سایکوپات ها، حالات اضطراب و نظایر آن دیده می شود. در این حالت نوجوان از مدرسه فرار می کند و به منزل نمی رود. پدر و مادر از غیبت فرزند از مدرسه اطلاعی ندارند، یعنی در حقیقت نوجوان از مدرسه و منزل هر دو فرار می کند.



ترس از مدرسه را باید با فرار از مدرسه فرق گذاشت. فرار از مدرسه بیشتر در نوجوانان مبتلا به اختلالات روانی، سایکوپات ها، حالات اضطراب و نظایر آن دیده می شود. در این حالت نوجوان از مدرسه فرار می کند و به منزل نمی رود. پدر و مادر از غیبت فرزند از مدرسه اطلاعی ندارند، یعنی در حقیقت نوجوان از مدرسه و منزل هر دو فرار می کند.

این کودکان با این عمل مقررات مدرسه را زیر پا می گذارند و از قوانین متداول اجتماعی تحصیلی و خانوادگی پیروی نمی کنند. اکثر این کودکان پس از فرار از مدرسه با افرادی نظیر خودشان به عیاشی، دزدی و رفتارهای سایکوپاتیکی می پردازند و یا این که بدون هدف معین در خیابان ها پرسه می زنند. این نوجوانان اغلب کم استعداد و اکثراً در تطابق و سازش خود با محیط های تحصیلی و خانوادگی اشکال دارند.

معمولاً شرایط منزل نیز ناگوار است و در واقع نوجوان نه دل خوش از خانه دارد و نه علاقه ای به مدرسه، و به راحتی هر دو را ترک و کوچه را انتخاب می کند. نوجوانان گریزان از مدرسه اگر هم استعداد خوبی داشته باشند، از نظر عاطفی سالم نیستند و رفتارشان در منزل و مدرسه طبیعی نیست، اما نوجوانانی که از رفتن به مدرسه امتناع می کنند، اکثراً از خانواده های طبقات بالای اجتماعی هستند و رفتارشان در مدرسه بهتر و آرامتر از سایر شاگردان است.

به نظر تایمرمن (۱۹۶۶) نوجوانی که ترس از مدرسه دارد نزد مادرش می ماند، ولی نوجوان فراری از مدرسه در خیابان های شهر گردش می کند. نیمی از این نوجوانان فراری از مدرسه میان همسالان خویش محبوبیتی ندارند و نیم دیگر آنها مرتکب خلاف و لغزش می شوند.

به نظر تایمرمن عوامل موثر در خانه عبارتند از: طرد شدگی، سخت گیری های افراطی، انضباط متناقض و بی ثبات، کتک زدن، بی نظمی والدین بی علاقه، محیط زیست و همسایگی بد،

ناشادی در خانه یا مدرسه، پرجمعیت بودن خانواده، جدایی کودک از مادر در اوایل کودکی یا جدایی از پدر پس از سن ۵ سالگی.

در این موارد معمولاً نوجوان در انجام تکالیف و کار مدرسه ای ضعیف است، لیکن مشکل در بی علاقه‌گی به مدرسه یا معلم نیست. تنبیه صرفاً این گریز را تشدید کرده و به صورت پیچیده تری درمی آورد. در بیشتر اوقات فرار از مدرسه با دروغگویی همراه خواهد بود. این افراد با مهارت به دروغ گفتن می پردازند و طوری وانمود می کنند که از مدرسه غیبت نداشته اند.

به طور خلاصه باید گفت که فرار از مدرسه حالتی است که نوجوان سالم بدون عذر موجه از حضور در مدرسه خودداری کند و غیبت او غیرقانونی یا غیر موجه شناخته شود. در بعضی کشورها که بین سنین ۶ تا ۱۴ سالگی تعلیمات اجباری است، حتی اگر والدین باعث این عمل شده باشند به دادگاه احضار می شوند و مجازات های خاصی درباره آنها به مورد اجرا گذاشته می شود.

لازم به ذکر است که در مورد ترس از مدرسه و فرار از مدرسه تفاوت هایی وجود دارد. نوجوان مبتلا به ترس از مدرسه با مراقبت شدید مادرانه، اختلال در غذا خوردن، دردهای شکمی، حالت تهوع و مشکلات خواب و علایم بالینی (اضطراب) مشخص می گردد، در حالی که نوجوان گریزان از مدرسه با بی ثباتی در تعلیم خانواده، دروغگویی دائمی، فرار از خانه و دزدی از خانه معرفی می گردد.

متخصصان و روانکاوان تعلیم و تربیت معتقدند که نوجوانان مبتلا به ترس از مدرسه با ترس های بیمارگونه در ارتباط با حضور در مدرسه، شکایت مداوم جسمانی، ارتباط و همزیستی بیش از حد با مادر و تعارض بین پدرها و مادرها و مدیریت مدرسه توصیف می شوند.

به طور خلاصه نوجوانی که ترس یا هراس از مدرسه دارد ظاهراً با عوامل مربوط به ترس و اضطراب به بهترین وجهی مشخص می شود، در حالی که نوجوان گریزان از مدرسه با رفتار بزهکارانه تعریف می گردد. نکته آخر این که نوجوانان مبتلا به ترس از مدرسه ممکن است از نظر پیشرفت تحصیلی ضعیف نباشد و حال آن که نوجوانان گریزان از مدرسه معمولاً شاگردانی ضعیف هستند.

• علل فرار از مدرسه

ترس و دلهره از عدم توانایی انجام تکالیف، مواجه شدن با چهره آموزگار جدید، آشنا شدن با دوستان و همکلاسی های جدید و ... مواردی هستند که همواره ذهن بعضی از نوجوانان را به خود مشغول می کند.

این گونه معضل به مرور زمان و پس از سپری شدن هفته های اول سال تحصیلی، برطرف می شوند و به این ترتیب جای نگرانی از این بابت وجود نخواهد داشت، اما عده ای دیگر از نوجوانان آن قدر از درس و مدرسه متنفر و بیزارند که این گونه نوجوانان هم برای خود و هم برای والدین و مربیانشان مشکل آفرین بوده و شناخت علل و انگیزه های این رفتار بسیار لازم و

ضروری است. برای ریشه یابی رفتارهای چنین کودکانی باید علل مختلفی را که باعث پدید آمدن این دسته از اختلافات رفتاری می شوند، مورد بررسی قرار داد که عبارتند از:

- خانواده های از هم گسیخته:

مشاجرات لفظی، نزاع و کشمکش، عدم تفاهم اخلاقی و عقیدتی، طلاق و متارکه، فوت یکی از والدین و... از جمله عواملی هستند که می توانند باعث از هم پاشیدگی نظام خانواده شوند. در این قبیل خانواده ها، هرج و مرج و بی نظمی به وضوح مشاهده می شود. علاوه بر این، باعث پدید آمدن بیماری های روحی و روانی و همچنین ترس، اضطراب و دلهره در اعضای خانواده می گردد. قربانیان اصلی این دسته از خانواده ها، اکثر اوقات نوجوانان بی گناه هستند.

- مردود شدن:

به طور معمول ۲ علت دارد:

(۱) ضعیف بودن در پایه تحصیلی

(۲) افت ناگهانی تحصیلی که باعث می شود کودک به مرور زمان از مدرسه گریزان شود.

- بی علاقه بودن به درس و تحصیل:

از جمله مسائلی است که سبب فرار کردن از مدرسه می شود و چون نسبت به آینده تحصیلی خود نا امید است به این نتیجه می رسد که رفتن به مدرسه برایش فایده ندارد. از این دسته از نوجوانان به طور معمول در خانواده های از هم گسیخته و متزلزل بیشتر به چشم می خورد.

- ترس از تنبیه بدنی:

باعث می شود نوجوان همیشه اضطراب درونی نسبت به مدرسه داشته باشد و آماده فرار از مدرسه باشد.

- بی توجهی والدین:

نسبت به نوجوان و عدم اهمیت آنها به تحصیل و تربیت فرزندشان مقدمات فرار از مدرسه را تشکیل می دهد.

- عدم رفاه مالی نوجوان و خانواده:

باعث می شود که نوجوان خود را در برابر بقیه ضعیف تر پنداشته از همکلاسی های خود دوری جسته و باعث شود که از مدرسه فرار کند.

- عدم توجه معلم به شاگرد و تبعیض قائل شدن:

باعث می شود دیدگاه های منفی فکری در ذهنش ایجاد شده و مدرسه را دوست نداشته باشد.

• عقب ماندگی ذهنی:

به تعدادی از نوجوانان که در یادگیری مطالب درسی و مهارت های شغلی از دانش آموزان دیگر کندتر هستند، عقب مانده خوانده می شوند. این نوع دانش آموزان با توجه به این که چه اندازه در یادگیری مطالب درسی مهارت های شغلی و سازگاری اجتماعی از دوستان خود عقب مانده باشند، به طبقات مختلفی تقسیم می شوند. این دانش آموزان نیاز دارند که موارد درسی متفاوت (از دانش آموزان عادی) جهت حداکثر رشدشان در نظر گرفته شود. نوجوان عقب مانده با این که از لحاظ هوشی عقب مانده است، ولی به اندازه ای استعداد دارد که بتواند امور و نیازهای روزمره خود را بدون نظارت بی مورد دیگران اداره کند.

تحقیقات نشان داده که عقب ماندگی ذهنی و فرار از مدرسه رابطه مستقیم دارند. در مطالعاتی که در مدارس نیویورک توسط خانم «ایروین» انجام گرفته تقریباً ۴۳ درصد فرار دانش آموزان به علت عقب ماندگی ذهنی بوده است.

• پیشنهادات در جهت رفع مشکل فرار از مدرسه

۱) تهیه و تنظیم کارنامه محرمانه برای هر یک از دانش آموزان به منظور آگاه شدن آموزگاران از وضعیت جسمانی و روانی آنها توسط مدیر مدرسه.

۲) آشنا شدن معلمان با خانواده های شاگردان جهت کمک به حل مشکلات آنان و آگاه شدن از شرایط حاکم بر فضای منزل.

۳) برانگیختن انگیزه دانش آموزان برای روی آوردن به درس و مدرسه و مطالعات جانبی دیگر.

۴) پرهیز از به کارگیری هرگونه تنبیه بدنی.

۵) توجیه دانش آموزان به این مسأله که مدرسه خانه دوم شماست (در جلسات عمومی که بین مدیر و معلمان یا دانش آموزان برگزار می شود)

۶) کمک به دانش آموزان محروم و مستضعف: لازم است مریبان و مسئولان مدرسه که از توانایی مالی خوبی برخوردار هستند، این گونه دانش آموزان را تحت حمایت خویش قرار دهند. به خصوص زمانی که کودک علاقمند به تحصیل است و خانواده وی به علت مساعد نبودن وضعیت مالی قادر به تأمین احتیاجات فرزندشان نیستند.

۷) شناسایی به موقع کودکان عقب مانده ذهنی و معرفی سریع آنها به مدارس یا مراکز مخصوص تعلیم و تربیت این دسته از دانش آموزان.

۸) تبدیل مدارس و مراکز آموزشی به اماکن علمی - فرهنگی و ترتیب دادن اردوهای مختلف تفریحی جهت بازدید از زیارتگاه ها، موزه ها، آثار باستانی، تاریخی و سایر مکان های دینی دیگر.

۹) ایجاد رابطه عاطفی و دوستانه به صورت مداوم از سوی کادر مدرسه با چنین دانش آموزانی.

عوامل موثر بر مدرسه گریزی

۱- وجود تعارض یا کشمکش درون روانی والدین: یکی از والدین به دلیل وجود رگه های مرضی در شخصیت نشانه های وابستگی کودک را تقویت می کند. طوری که جدایی از والدین برای کودک سخت شده، در نتیجه از مدرسه می گریزد.

۲- کشمکش درون روانی کودک: مدرسه هراسی و دیگر اختلالاتی که برای اولین بار در طی کودکی بروز می کند، می توانند از عوامل تسریع کننده یا زمینه ساز مدرسه گریزی باشند. مثلاً بیش فعالی می تواند شکست تحصیلی و گریز از مدرسه را به خاطر پاسخ ندادن به توقعات مدرسه، در پی داشته باشد، بنابراین درمان اختلالات زمینه ای بسیار مهم است.

۳- کشمکش درون خانواده: روش های فرزندپروری سه گونه اند: سهل انگاری، مستبدانه و دموکراتیک که هم دیکتاتوری والدین و هم سهل انگاری را می توان زمینه ساز دانست. زیرا در هر دو حالت شکلی از فشار روانی روی کودک است. در شکل مستبدانه نهنگی در آکواریومی اسیر و در شکل سهل انگارانه ماهی قرمز کوچکی در دریا با تمام خطرهای آنها می شود.

کودک نیاز به حمایت، امنیت و تایید از سوی والدین را دارد و آزادی بدون مرز او را مضطرب می کند زیرا او قادر نیست به تنهایی مسیر را طی کند. کما اینکه روش مستبدانه هم خلایقیت و

اعتماد به نفس کودک را تخریب می کند. هر دو شکل تربیت مستبدانه و دموکراتیک بیانگر جهل و بی دانشی والدین است و ناتوانی آنها را نشان می دهد.

۴- عادی بودن فشار روانی در مراحل انتقالی: در زندگی یک سری مراحل انتقالی وجود دارد که می توان هم آن را به شکل وسایل عبور (رشد) دید و هم آنها را منشا یک آسیب دانست. مراحلی چون بلوغ، ازدواج و امثال آن.

۵- عدم درک نیازهای اساسی در خانه یا مدرسه: می توان گفت مهمترین عامل در مدرسه گریزی است. مدرسه ناکام کننده و خانواده سرکوب کننده از آن جمله است. روابط دیکتاتوری - سهل انگاری در مدرسه و خانه منجر به آسیب هایی در سطح جامعه می شود. آسیب هایی چون دختران فراری، پسران بزهکار و... که نوجوانان آسیب دیدگان این نوع برخوردند.

زیربنای این رابطه چه در مدرسه و چه در خانه روابط غیرانسانی است. ویرجینا ساتیر، خانواده درمانگر شهیر، می نویسد: من در گذشته فکر می کردم که بمب اتم ما را از بین می برد اما حالا فکر می کنم که اگر چیزی بتواند ما را از بین ببرد چیزی جز روابط غیرانسانی نیست.

خانواده درمانی در مورد خانواده های دشوار یا آشفته لازم است زیرا که مدرسه گریزی محصول مشترک خانواده و اجتماع است، محیط آموزش به شکل اخص، جامعه به طور اعم

مدنظر است. این مساله آنجا بغرنج تر می شود که پیشینه تحکم گونه نیز دنباله محیط اجتماعی را تشکیل دهد.

منابع :

سایت اطلاع رسانی آفتاب

www.aftab.ir

<http://www.mardomsalari.com>